

## متن دفاعیه‌ی یکی از تسخیر کنندگان سفارت رژیم جنایت کار جمهوری اسلامی در دادگاه دوم، هلند - لاهه

آقای قاضی به نظر من، شما بهتر از من می‌دانید وقتی در هر جامعه‌ای تمام راه‌ها به روی انسان‌های مبارز و آزادی خواه برای اعتراض قانونی و مسالمت آمیز و بدون خشونت بسته می‌شود؛ جامعه خود به خود به طرف فعالیت غیر قانونی حرکت می‌کند و خشونت نرم جاری آن جامعه می‌شود.

آقای قاضی در سرزمین من هر اعتراض ساده را با گلوله پاسخ می‌دهند و در سر زمین شما هلند، - که سفارت خانه‌ی هر کشوری به مثابه بخشی از خاک آن کشور محسوب می‌شود- اما ما تا کنون نتوانسته‌ایم در بخشی از خاک خود یک اعتراض ساده داشته باشیم. تا آن جا که بر خلاف تمام کشورهای اروپائی پلیس شما حق تظاهرات مقابل بخشی از خاک خودمان را از ما سلب کرده است.

آقای قاضی در سرزمین من مرگ جای زندگی را گرفته است؛ درد و غم و فقر به جای شادی و سعادت و رفاه انسان نشسته است.

آقای قاضی کسانی را که هر روز و هر ماه و هر سال در ایران به دار می‌کشند و تیرباران می‌کنند و به قتل می‌رسانند و سنگسار می‌کنند بی تردید خانواده و آشنایان زیادی دارند. بخشی از این فامیل بزرگ و دردمند، امروز میهمان سر زمین شما هستند. شما قول داده‌اید از آنان حمایت کنید. قانون شما می‌گوید ما حق اعتراض به نقض حقوق بشر در سرتاسر جهان را داریم. این حق ماست که نه تنها علیه نقض حقوق بشر در ایران اعتراض کنیم، بلکه هم چنین وظیفه‌ی ماست تا علیه رژیم‌هایی که خلق‌های ایران را به بند کشیده و دارد مملکتی را ویران می‌کند هم اعتراض کنیم. این حق مسلم ماست تا به هر طریقی که می‌توانیم فریاد آزادی خواهی مردم محروم خود را به گوش جهانیان برسانیم.

اما آقای قاضی عده‌ای این حق مسلم را از ما سلب کرده‌اند. وقتی ما خبر دستگیری و زندان و شکنجه و کشتار فامیل و رفقا و برداران و خواهران خود را در ایران می‌شنویم چگونه می‌توانیم آرام و ساکت بنشینیم؟ چگونه می‌توانیم شب را با خیال راحت بخوابیم و روز را با اطمینان خاطر کار کنیم؟ چند ماه پیش فرزند کمانگر یک معلم شریف و زحمتکش را پس از چند سال تحمل زندان و حبس و شکنجه در سلول انفرادی، او را به دار کشیدند و کشتند. اما در کابوس‌های شبانه‌ی من، این جا در هلند طی دو سال گذشته بارها او را حلق آویز و تیرباران و تکه تکه‌اش کرده‌اند.

آقای قاضی آیا شما از کابوس‌های شبانه و بحران‌های بیداری ما با خبرید، که به خاطر یک اعتراض مدنی و ساده آن هم در بخشی از خاک خود، ما را سه روز زندانی، و در دو نوبت به دادگاه کشیده‌اید؟ آیا تعجب

آور نیست که عده‌ای انسان را به خاطر دفاع از شرف و حرمت و کرامت انسان به خاطر اعتراض و مخالفت با حکومتی جبار و خون ریز می‌خواهید محاکمه کنید؟ در حالی که آدم کشان و شکنجه‌گران و جاسوسان رژیم ضد انسانی در چند کیلومتری شما در کمال امنیت و در محافظت پلیس علیه ما و علیه هر چیزی که رنگ و معنای زندگی و انسانیت داشته باشد، دارند توطئه می‌کنند و طرح‌های شوم می‌ریزند.

آقای قاضی آیا می‌دانید رژیمی که امروز در سرزمین من حاکم است در اروپای غربی شما بیش از ۸۰ مورد عملیات ترور علیه مخالفین و فعالین سیاسی خود داشته است. آیا می‌دانید یکی از تروریست‌های رژیم، سر آخرین نخست وزیر رژیم دیکتاتوری سابق (رژیم شاهنشاهی) در ایران را در پاریس در خانه‌اش برید؟ با وجود آن که جرم او در دادگاه نیز ثابت شده بود، پس از بیست سال زندانی کشیدن وقتی آزاد شد و به ایران بازگشت در فرودگاه با تاج گل از او استقبال و برایش گاو قربانی کردند؛ آیا می‌دانید اولین جمله‌اش چه بود؟ "من از جهنم اروپا رهائی یافتم و به بهشت برگشتم".

آقای قاضی تمام ترورهای خارج از کشور، از طریق همین سفارت خانه‌ها سازماندهی و عملی شده است و می‌شود.

آقای قاضی در ایران ما نیروهای پلیس رسمی و غیر رسمی (لباس شخصی‌ها) به دختران و پسران جوانی که در تظاهرات آرام علیه سرکوب و پایمال شدن حقوق خود شرکت می‌کنند، دستگیرشان می‌کنند به زندان می‌برندشان و در زندان به آنان تجاوز می‌کنند. مجبورشان می‌کنند علیه خود به جرم‌های ناکرده اعتراف کنند. و به دروغ شرط آزادی آنان را انجام مصاحبه تلویزیونی می‌گذارند و گاهن به جرم همین اعترافات آنان را در دادگاه‌های در بسته و غیر علنی به مرگ محکوم می‌کنند و می‌کشند.

آقای قاضی شما اطمینان داشته باشید اگر حداقلی از حقوق انسانی و مسلم ما در ایران رعایت می‌شد ما امروز این جا نبودیم، اگر ما که خواستار جامعه‌ای آزاد و دموکراتیک هستیم می‌توانستیم شرایط و وضعیت سخت و دشوار مردم خود را به شیوه‌ای دیگر به گوش جهانیان برسانیم و رژیم حاکم بر ایران را افشا و رسوا کنیم هرگز دست به چنین اقدامی نمی‌زدیم.

آقای قاضی وقتی قطار زباله‌های اتمی می‌خواست از خاک آلمان عبور کند عده‌ای از روشنفکران و هنرمندان و نویسندگان مشهور آلمان رفتند روی ریل قطار نشستند و راه آن را سد کردند، این حرکت و اعتراض برای جلوگیری از آلوده شدن بیش از حد جهان یک عمل غیر قانونی بود، اما مدنی و انسان دوستانه و شرافتمندانه بود، به همین دلیل همه‌ی ما می‌دانیم آن‌ها نه تنها جرمی نکرده بودند بلکه می‌خواستند از یک فاجعه‌ی بزرگ انسانی جلوگیری کنند و در نگاه انسان‌های عادل و شریف و دموکرات

و آزادی خواه هیچ کس حق محاکمه‌ی آنان را نداشت، بلکه با آنان ابراز همبستگی کردند و مورد تقدیر قرارشان دادند.

آقای قاضی من امروز به جرئت به شما می‌گویم: حمایت جوانان هلند و دیگر کشورها از مبارزات مردم ایران برای رهائی و آزادی برای همیشه در حافظه‌ی تاریخی مردم ما خواهد ماند و در روابط انسانی ملت‌ها نقش سازنده‌ای خواهد داشت، به همین دلیل و به پاس ابراز همبستگی آنان، من در مقابل‌شان سر تعظیم فرود می‌آورم. هم چنین در مقابل وکلای عزیزی که مسئولیت دفاع از این پرونده را بعهدہ گرفتند سر تعظیم فرود می‌آورم.

آقای قاضی بی تردید رژیم جنایت کار جمهوری اسلامی مثل سایر رژیم‌های دیکتاتوری در طول تاریخ زوال می‌یابد و نابود خواهد شد. آنچه می‌ماند همبستگی ملت‌ها و موضع‌گیری‌های دستگاه‌های قضائی هر کشوری است که آیا از آزادی خواهان و مخالفین حکومت‌های نقض کننده حقوق بشر حمایت می‌کنند یا آن که از جنایت کاران دفاع خواهند کرد؟

آقای قاضی ترور رهبران حزب دمکرات کردستان ایران به وسیله‌ی تروریست‌های جمهوری اسلامی، در برلین سازماندهی شده بود. این جنایت از جانب سفارت جمهوری اسلامی در آلمان و با مسئولیت شخص سفیر و اطلاع مسئولین بلند پایه‌ی رژیم جمهوری اسلامی صورت گرفت. دستگاه قضائی آلمان علی‌رغم رابطه‌ی بسیار خوب سیاسی و اقتصادی‌ی دولت آلمان و دولت جمهوری اسلامی، تروریست‌ها را محکوم به حبس ابد کرد. حکم جلب چند شخصیت مهم جمهوری اسلامی را به پلیس بین‌الملل ابلاغ نمود. و با این قضاوت مورد خشم و نفرت حکام حاکم بر ایران قرار گرفت. اما در عوض نزد مردم ایران برای خود آبرو و اعتبار زیادی کسب کرد.

آقای قاضی امیدوارم دستگاه قضائی شما نیز با تکیه بر استقلال خود و از موضعی انسانی و رعایت حقوق مدنی به آکسیون ما نگاه و قضاوت کند. و اگر می‌تواند به دولت و پلیس هلند فشار بیاورد که حقوق دمکراتیک میهمانان و شهروندان خود را قربانی روابط و بازی‌های سیاسی و اقتصادی نکنند. اگر همه‌ی مردم آزادی خواه جهان و دستگاه‌های مستقل قضائی‌ی تمام کشورها از مبارزات مردم ما حمایت نکنند تا هر چه زودتر رژیم جنایت کار جمهوری اسلامی را به زباله دان تاریخ بیندازیم، تردید نداشته باشید بی‌دادگری و ستم کاری چنین رژیم‌هایی دامن شما را هم خواهد گرفت.

آقای قاضی این حق ما بود تا تصویر دختری را که در حاشیه‌ی یک تظاهرات خیابانی حتا بدون دادن یک شعار به قتل می‌رسد در بخشی از خاک خود برافرازیم، زیرا نگاه پرسشگر و غرق در خون‌اش او را در تمام جهان تبدیل به سمبل مبارزات اخیر مردم ایران کرده است؛ در همین کشور شما (هلند) نیز بارها

تصویر و چگونگی قتل فجیع او را از کانال‌های سرتاسری پخش کرده‌اند. تا آن جا که همدردی مردم هلند را نیز برانگیخت و مرحمی بر دل پر درد و زخم خورده‌ی ما شد. در بسیاری از کشورها تندیس او را ساختند، برخی از کشورها خیابان به اسم او نامگذاری کردند و جهان قضاوت کرد فجیع‌ترین قتل قرن اخیر بوده است.

آقای قاضی برافراشتن تصویر ندا در بخش کوچکی از خاکمان حق ما بود؛ این حداقل کاری بود که برای ندا انجام دادیم، کمترین وظیفه‌ای بود که در مقابل مبارزات مردم و مادران داغ دیده انجام دادیم. شما لطف این حق را از ما نگیرید. ما انتظار همبستگی و همدردی شما را داریم انتظاری که از همه‌ی انسان‌های آزادی خواه و شریف و انسان دوست جهان داریم.

متشکرم .

جعفر امیری ۲۰۱۰/۱۵/۹